

تحلیل نبوت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از زبان امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام در دعای افتتاح

سوسن آل رسول*

سیده فاطمه رهنما**

چکیده: دعای افتتاح که منتسب به حضرت صاحب الامر (عج) است، دارای مضامین عالی و بلندی است که گنجینه‌ای از معارف توحید، نبوت و امامت را در بر دارد. در این مقاله، بحث نبوت آن بررسی می‌شود. این دعا با صلوات بر پیامبر خاتم، باب پیامبرشناسی را گشوده و در ضمن صلوات، بارزترین ویژگیهای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برشمرده است. در این تحقیق، ضمن تحلیل اصل اعتقادی نبوت، ویژگیها و اوصاف عبودیت، رسالت، امانت، برگزیدگی، محبوبیت، حفظ سر الهی و مبلغ بودن نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بررسی می‌شوند.

کلید واژه‌ها: دعای افتتاح / صلوات / عبد / رسول.

۱. مقدمه

در فرهنگ انسان‌ساز اسلام، مفاهیمی وجود دارند که بی‌نیاز از هرگونه استدلال

Email: S-alerasoul@kiaua.ac.ir

*. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

و پرسش‌اند و تنها با داشتن تصویری از آنها پذیرفته می‌شوند. دعا، یکی از این مجموعه مفاهیم ارزشمند است. دعا در لغت به معنی بانگ زدن و خواندنی است که پیوسته با اسم طرف مقابل همراه است (راغب اصفهانی، ص ۳۱۵) و در اصطلاح، گفت‌گو با خداوند به گونه طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او یا مناجات یا ذکر صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست (مشکینی، ص ۱۷) که در این معنا، مخاطب فقط خداوند است. از این رو حقیقت دعا چیزی جز عبادت نیست. به همین دلیل است که قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام بر آن تأکید می‌ورزند. چنان که خداوند در قرآن بندگان خود را به دعا فرمان می‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...﴾ (غافر ۴۰ / ۶۰۱): «پروردگارتان گفت: بخوانید مرا تا شما را پاسخ گویم» و همچنین پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «الدُّعَاءُ مُمُّ الْعِبَادَةِ وَ لَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ» (راوندی، ص ۱۷)، «دعا مغز عبادت است و با دعا کسی هلاک نمی‌شود.»

بسیاری از دعاهایی که از طریق رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام به دست ما رسیده‌اند، تنها یک تقاضای شخصی و مناجات فردی نیستند بلکه دنیایی از عرفان و تعلیم و تربیت و برخوردار از محتوا و ژرفای خاصی هستند و به‌طور کلی با طرز تفکر و شیوه درخواستهای ما در دعاهایمان مابینت دارد. در این دعاها آنچه کمتر به زبان می‌آید مال و مقام دنیاست و آنچه به‌طور دائم گفته می‌شود، رضا و قرب خداست. (متقی، ص ۳۰)

معصومین علیهم‌السلام در مناجات و ادعیه خود غالباً دو هدف اساسی را در نظر داشتند. هدف اول: سپاس خداوند متعال که در نیکوترین قالب‌های معرفتی ابراز شده است؛ هدف دوم: تربیت انسان‌ها و دعوت قافله آدمیان به سوی سعادت جاودانی، پرستش حق و حیات طیبه. (نیک‌زاده، ص ۸۴-۸۵)

ماه مبارک رمضان که بزرگ‌ترین طرح دینی سالانه، جهت خودسازی جسمی و معنوی و بهسازی الگوی زندگی دینی است بهترین فرصت برای نقد و بررسی

اصول اعتقادی و اخلاقی و مبانی فکری و ارتقای تعمیق آنها است. هر دین‌دارِ روزه‌داری مکلف است با عمل به توصیه‌های معنوی و دینی درباره سیر و سلوک در این ماه، به روزه‌داری و پرهیز از خوردن و آشامیدن اکتفا نکند و ماه مبارک رمضان را حقیقتاً نقطه عطف و تحوّل زندگی خود قرار دهد. در این مسیر، انس با قرآن و ادعیه ویژه ماه مبارک رمضان می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد. یکی از ابزارهای تحقق این امر مهم، دعای افتتاح است که توصیه شده در شب‌های مبارک ماه رمضان خوانده شود.

دعای افتتاح درس‌نامه عرض حاجت بنده سرشار از نیاز به درگاه خدای بی‌نیاز است؛ آموزه‌ای از امام مهدی - ارواحنا فداه (عج) - برای فراگیری پیروان و دوستدارانش، تا بهترین لحظات مناجات با خدا را در ماه خدا به مدد آن سپری کنند. دعای افتتاح مانند سایر ادعیه چنان با تار و پود توحید، رسالت و امامت به هم آمیخته که تفکیک آنها دشوار است. این دعا زمزمه مناجات انسان است با خدای خویش که غنای خالق و نیاز مخلوق را به تصویر می‌کشد و درهای امید را به روی انسان ناامید می‌گشاید و در سرتاسر آن، نصر و فتح را نوید و لطف بی‌دریغ خدا به خلق را نشان می‌دهد. این دعا با تکیه و تأکید بر بحث توحید و کشاندن انسان به مقام حمد و سپاس، تلاش می‌کند درک آدمی را از خدایش تصحیح کند. چنان‌که پس از قرآن، همین ادعیه مؤثره‌اند که ابواب فراوانی از حکمت دینی را به روی انسان می‌گشایند؛ به خصوص ادعیه‌ای که جامع‌تر باشند، مانند دعای شریف افتتاح که گرچه به صورت حمد، صلوات، دعاها و درخواستها خودنمایی می‌کند، بیان‌کننده سه اصل از مهم‌ترین اصول دین، یعنی توحید، نبوت و امامت است.

دعای افتتاح که منتسب به حضرت صاحب‌الامر (عج) است، از مضامین عالی خداشناسی، پیامبرشناسی و امام‌شناسی و... برخوردار است. ولی متأسفانه با توجه به نیاز مردم عصر ظهور به آموزش این دعا، هنوز مهجور مانده و جایگاه

واقعی خویش را پیدا نکرده و فقط به ماه مبارک رمضان محدود شده، گرچه رمضان طرح خودسازی و پیرایش سالانه، در یک برنامه سی روزه است. این برنامه یک ماهه، آغاز برنامه سالانه است و رمضان هر سال، نقطه تحویل و تحکیم و تمدید و تجدید پیمان با امام خویش است.

حضرت ولی عصر (عج) در دعای افتتاح، زیباترین و جامع‌ترین حمد‌های الهی را با عبارات گوناگون انشا نموده‌اند و پس از پایان حمد و ثنای الهی، به روشی بسیار زیبا و با صلوات بر پیامبر ﷺ، باب نبوت و پیامبرشناسی را باز و اوصاف و ویژگیهای ایشان را بیان می‌کنند.

۲. صلوات بر پیامبر اکرم ﷺ در دعای افتتاح

نبوت، وظیفه‌ای الهی و نیابتی ملکوتی است که از آن می‌توان به نمایندگی خداوند تعبیر کرد. خدا این مقام را ویژه برگزیدگان و بندگان شایسته و مقرب و کامل خود قرار داده، آنها را برای راهنمایی انسان‌ها فرستاده است تا مردم را به خیر و صلاح در امور دنیا و آخرت راهنمایی کنند و از پلیدیهای اخلاقی و رسوم فاسد و عادات زشت، پاک سازند و آنها را پرهیز دهند تا دانش و معرفت بیاموزند و راه و روش کمال و سعادت را بیان کنند تا انسان‌ها به کمال انسانیت نایل شوند و در دنیا و آخرت به درجات عالی برسند. یکی از نکات بسیار بارز این دعای شریف، ایجاد ارتباط با رسول گرامی و در نتیجه، معرفت به آن مقام شامخ است که این هدف در وهله اول با صلوات‌های متعدد بر ایشان دنبال شده است.

در صلواتهای این دعا، یک دوره پیامبرشناسی وجود دارد که امام علیؑ بعد از حمد‌های هیجده‌گانه، با عبارت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ» بر حضرت پیامبر ﷺ درود فرستاده و ضمن اشاره به بارزترین اوصاف ایشان، حضرت را معرفی نموده و بر ایشان صلوات فرستاده‌اند و آن هم صلواتی با ویژگیهای خاص و از جمله آنکه عبارت دعایی «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ» در یک دوره صلوات بر چهارده معصوم، مجموعاً

سه بار و آن هم برای پیامبر ﷺ و اولین امام ائمه و آخرین امام (عج) به کار برده شده است که حکایت از حساس بودن مقام ایشان می‌کند.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ...»: و از اینجا زمینه را برای بیان مجموعه‌ای از خواسته‌های خود فراهم کرده‌اند و این، خود حکایت از آن دارد که ائمه هدی هرگاه حوایج مهمی داشته و خواهان نیازهای امر دنیا و آخرت بوده‌اند، ابتلا به رسول اکرم ﷺ و خاندان گرامی او درود و تحیت می‌فرستادند و سپس تقاضای خود را یکی پس از دیگری عرضه می‌داشتند؛ چنان که در این دعا هم چنین فرموده‌اند و صد البته باید سرآغاز ذکر حوایج، نام نامی و گرامی رسول اکرم ﷺ را بر زبان جاری ساخت. او گوهر گران قدر عالم آفرینش است که بدون شک خدای تعالی به واسطه وجود اقدس آن بزرگوار، تمام خواسته‌های داعی را برمی‌آورد و دعای او را به اجابت می‌رساند. (زمردیان، ص ۳۳۰-۳۳۱)

روح انسان به جهت تعلق به ابدان، در قبول انوار الهی ناقص است و از آن نمی‌تواند مستفید و بهره‌مند شود مگر در وقتی که علاقه میان او و روح پیغمبری که صاحب دعوت آن زمان است استحکام پذیرد. زیرا که ارواح مقدس انبیا از علایق، مبراست و پیوسته از مبدأ فیاض، فیوض کلیه متوجه ایشان است. پس زمانی که روح کسی با روح پیامبر اکرم ﷺ سنخیت یابد، پرتوی از آن به روح آن کس می‌تابد و به قدر استعداد خود فیض پذیر می‌شود. بنابراین هیچ واسطه و آشنایی بهتر از صلوات برای آشنایی با سیرت آن حضرت نیست. (عسگریور، ص ۱۱۰-۱۱۱)

در فرازی از این دعا امام (عج) ویژگی صلوات بر پیامبر ﷺ را به این صورت بیان می‌کنند:

... أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنَمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَ
أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ
أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ

در اینجا امام علیه السلام برترین و کامل ترین صلوات را برای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله طلب می فرماید و این مربوط به نظام عاطفی و خویشاوندی نیست، بلکه سرّ این دعا این است که او فردی ممتاز بوده است و به همین دلیل خداوند متعال از بین خلایق او را برگزیده و چون بهترین بنده بوده است، والاترین و ارجمندترین صلوات را برای آن بزرگوار درخواست می دارد. در عین حال امام علیه السلام چگونگی سپاسگزاری و قدردانی را به امت تعلیم می دهد که در مقابل زحمات طاقت فرسای آن مُنّجی عالم، چگونه باید ارادت قلبی خود را ابراز کرد.

در این فراز، امام معصوم علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با جملاتی خواننده است که فوق آن را نمی توان تصوّر کرد؛ چرا که امام عصر (عج) تقاضای چنان سلام و درودی برای حضرت خاتم صلی الله علیه و آله از خداوند عالم کرده است که احدی در آن مقام با او همسانی و برابری نداشته باشد. البته معلوم است که درخواست امام علیه السلام هرگز گزاف و بی حساب و غیرمتناسب و بدون زمینه نیست، بلکه خواسته‌ای معقول و با ضابطه است. معرّفی و خواسته‌های امام علیه السلام در حقّ رسول گرامی اسلام، همگی راستین و سزاوار مقام نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله است؛ زیرا بلندترین مقام قرب الهی از آن کسی است که دست به کاری زده که در توان هیچ یک از فرشتگان و پیامبران گذشته نبوده است. آنچه در این فراز نورانی جلوه‌نمایی می کند واژه‌ها و صیغه‌های تفضیلی است که برترین، نیکوترین، کامل ترین، پاک ترین و رشد یافته ترین درودها، برکتها، رحمتها و سلام‌ها را نثار وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می کند. (فلاح، ص ۱۱۳)

۲-۲. معرّفی مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دعای افتتاح

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ
مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَ
أَزْكَى وَأَمْنَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَ
تَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ وَأَهْلِ

الْكَرَامَةُ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدا یا بر محمد، بنده و رسولت و امین و برگزیده‌ات، دوست و با فضیلت‌ترین خلق و حافظ سرتو و رساننده رسالت‌های تو درود فرست؛ چنان که برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، پرنموت‌ترین، خوشبوترین و پاکیزه‌ترین و بلندترین درودها باشد؛ درودی بیش از درود، برکت، مهرورزی، منت و سلاح می‌باشد که بر دیگر بندگان، پیامبران، رسولان، برگزیدگان و کریمان می‌فرستی.

این بند از دعا موقعیت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از نظر مقام و مرتبت به حدّ والای خود بیان می‌کند (زمردیان، ص ۸۱۶) و اوصاف ممتازی برای آن حضرت برمی‌شمارد که عبارت‌اند از:

۱-۲. عبدالله

اولین صفت بیان شده برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توسط امام زمان (عج)، صفت عبد است.

حضرت مقدّم فرموده است عبودیت را بر رسالت، زیرا صفت عبودیت، اشرف از رسالت است و ایضاً روایت شده است از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام در شرف عبودیت که «عین» عبد، عبارت است از علم به خدا و «با»ی آن، عبارت است از دوری از غیر او و «دال» آن، عبارت است از قرب به خدا که مأخوذ است از دنو به خدای سبحانه. (مدرسی چهاردهی، ج ۱، ص ۱۷۶)

در این فراز امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را معرفی می‌کند که او بنده‌ای تمام عیار است و هرگز از خود حرفی ندارد، بلکه هرچه هست وحی پیام خداست و از بهترین بندگان است که خداوند متعال برگزیده است و اینکه او در کمال امانت آنچه را که می‌بایست عمل کند، به‌جا آورده و تو پیوسته به او گفته بودی که مشفقانه عمل کند و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی و او هم بر آنچه دستور داده بودی عمل کرد و مشفقانه نصیحت نمود. (ممدوحی کرمانشاهی، ج ۱، ص ۴۱۷)

بنده بودن خدا شرایطی دارد و وظایفی در آن شرایط داخل است تا کسی بتواند بگوید من بنده خدا هستم. البته ادعای مخلوقیت، مستلزم هیچ شرطی نیست و همه کس و همه موجودات می‌توانند بگویند ما مخلوق خدا هستیم ولی ادعای بندگی، فقط در شأن انبیا و اولیای خداست و از همین جهت است که مقام بندگی در مرتبه‌ای قرار دارد که اعضای اصلی اهل بهشت را صاحبان این مقام تشکیل داده‌اند. (زمردیان، ص ۳۰۷-۳۰۸)

هم چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي﴾ (الفجر (۸۹) / ۲۹)، «پس در زمره بندگان من درآی.» و سپس می‌فرماید: ﴿وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ (الفجر (۸۹) / ۳۰)، «پس به بهشت من درآی.»

نتیجه آنکه مقام بندگی در مرتبه‌ای است که اهمیت آن را قرآن مجید رسانیده و از این جهت است که امام علیه السلام در درود مخصوص بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ...»

حقیقت این مقام در شأن انبیا و اولیای خدا مصداق کامل دارد و آنان می‌توانند این ادعا را داشته باشند. بنده خدا رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که خدای تعالی در مقام شایستگی، او را با این سبمت خوانده است:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...﴾
(الاسراء / ۱)

منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانه‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی سیر داد...

برجسته‌ترین سیمای حضرت که بستر رسیدن به کمالات دیگرش بود بندگی و عبودیت او بود. (خمینی، ص ۱۲۴) در هفت آیه از قرآن کریم، صفت «عبد» برای خاتم پیامبران ذکر شده است که هر کدام با توجه به سیاقش، وجهی از «عبد» بودن پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می‌فرماید. مهم‌ترین صورت اصلی «عبد»، در عبادت آشکار

می شود و رسول خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز از همان اوایل بعثت این علامت بندگی را داشته اند: «عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (العلق (۹۶) / ۱۰۱). عبادت و بندگی خداوند برای آن حضرت، عاملی جهت گوشه گیری و رهبانیت نبود، بلکه خود نوعی حرکت و رشد بود تا دیگران را آگاه و حقایق را برایشان بازگو نماید و اصل حقیقت، پذیرفتن بندگی خدا در برابر بندگی بتهاست و والاترین وظیفه «عبد»، آن است که با رساندن پیام مولا، بندگان را از ظلمات خارج کند و به سوی نور رهنمون شود.

۲-۲. رسول الله

خطاب به رسول از آن جهت [است] که عظمت رسالت را در مقابل منافقان بیان فرماید، که هدایت اصلی به دست خداوند است و پیامبر فقط پیام رسان الهی است؛ هر چند که منافقان، حق را می بینند ولی به سمت کفر شتابان اند. (مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۸۳)

در هر دو آیه، ملاحظت و مهربانی الهی به رسول به گونه ای بیان شده است که ایشان با همان یقین کمال یافته، بتوانند از دو مسیر گزند مردم جاهل و منافقان عالم به راحتی پیام الهی را ابلاغ نمایند. صفت «رسول» برای خاتم پیامبران صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قرآن کریم جمعاً ۱۴۰ مرتبه تکرار شده است.

رسول، انسانی است که خداوند او را با رسالتی ویژه به سوی قومی مبعوث می کند تا ایشان را به آموزه های اسلام هدایت نماید. او در این مأموریت، معجزه یا معجزاتی از جانب خدای متعال به همراه دارد که گواه بر صدق رسالت اوست و بدین وسیله، حجّت بر مردمی که خداوند وی را به سوی آنان فرستاده است تمام می شود. تکذیب و مخالفت با آن پیامبر، بدبختی و عذاب یا هلاکت دنیا را در پی خواهد داشت و انواع عذاب در آخرت. اینجاست که به پیامبر نذیر و منذر یعنی بیم دهنده گفته می شود. از طرفی دیگر، ایمان به رسول و فرمان برداری از وی، سعادت دنیا و رحمت و بخشایش و رضایت و بهشت خدا را در آخرت به همراه

دارد و در این صورت، این پیامبر بشیر و مبشر، یعنی بشارت‌دهنده نیز است.
(عسگری، ج ۲، ص ۳۲)

۲-۳. امین الله

سومین صفت از اوصاف پیامبر ﷺ، «امین الله» است که امام زمان (عج) به آن اشاره فرموده‌اند. ایشان امین وحی بودند؛ یعنی قوانین و مقررات و دستورات و حلال و حرام خدا را در طول بیست و سه سالی که به عنوان رسول در بین مردم بودند و با وجود آنکه به مشتقات و بلاها دچار می‌شدند، بدون کم و زیاد و تغییر و تبدیل به مردم می‌رساندند.

پیامبر اکرم ﷺ هرگز از خود حرفی نداشت، بلکه مأموریتی الهی داشت و همه آنچه را که به آن امر می‌فرمود یا از آن نهی می‌کرد، متن دستور حضرت حق بود؛ یعنی آنچه را از خداوند متعال می‌گرفت با دقت تمام در چهارمرحله زیر حفظ و به طور صحیح و بدون کم و کاست به مردم ابلاغ می‌کرد. این چهار مرحله عبارتند از: اولاً: آنچه حضرت از جبرئیل دریافت نمود تمام آن چیزی بود که جبرئیل باید تحویل می‌داد.

ثانیاً: آنچه را که دریافت نمود با دقت تمام حفظ کرد، به طوری که هیچ چیزی از آن کم نشد.

ثالثاً: آنچه را که به مردم ابلاغ فرمود تمامی آن چیزی بود که مأمور ابلاغ آن بود. رابعاً: آنگاه که رسالت خود را می‌رساند به بهترین و عالی‌ترین نوع تبلیغ متوسل گشت و هنرمندانه‌ترین روش را در دعوت از مردم به کار گرفت (ممدوحی کرمانشاهی، ج ۱، ص ۲۷۳).

پس امینی بالاتر از پیام‌آور وحی نیست، آن‌هم این‌گونه که مورد تأیید پروردگار قرار گرفته است. حضرت محمد ﷺ، امین خداست؛ یعنی کسی که خداوند تنها او را از میان تمام بندگان خود برگزیده است تا زمام اختیار دین و دنیای مردم را

به دست او بدهد. حضرت از زمان نوجوانی به دلیل امانت داری و درست‌کاری و اعتمادی که همه به او داشتند به محمد امین ملقب گشت و در این دعا می‌گوییم پیامبر ﷺ، امین خدا بود؛ چراکه آنچه نزد او به امانت می‌گذاشت از علوم و معارف و دستوراتی که از ناحیه غیب به حضرت می‌شد، کم و زیاد و فراموش نمی‌کرد و مأمور ابلاغ وحی بود (طالعی، ص ۴۰).

۲-۴. صفی الله

صفی، به معنای کسی است که به سبب ناب‌بودن و دوری از ناخالصیها برگزیده شده است. (مصطفوی، ج ۶، ص ۲۵۸) وقتی غسل را آب می‌کنند و مومش را می‌گیرند، خالص و مُصَفَّاً یعنی تصفیه شده می‌شود و پیامبر اکرم ﷺ به اعتبار اینکه تصفیه شده موجودات و خلاصه آنهاست یا اینکه از دغل و عیوب روحی تصفیه شده است، به او «صفی» می‌گویند. (بیزدی، ص ۱۹۴)

اصطفا در اصطلاح اسلامی یعنی خداوند بنده‌اش را از شائبه و ناخالصیهای موجود در دیگران تصفیه و پاک کرده است یا او را بر دیگران برگزیده است. پیامبر اکرم ﷺ عصاره خلقت و برگزیده خداست و پیامبران، همگی برگزیدگان خدایند. (عسگری، ج ۲، ص ۳۰) و مصطفی هم از همین معنا گرفته شده که یکی از القاب رسول اکرم ﷺ و به معنی برگزیده است.

قرآن درباره پیامبران واژه‌هایی مانند «اصطفا» و «اجتبا» به کار می‌برد و ناگفته پیداست که «گزینش»، آهنگ تفضّل دارد نه استحقاق؛ زیرا بنابر استحقاق، انسانی که واجد ملاکات لازم برای پیامبری است خودبه‌خود برای چنین مقامی معین می‌گردد و نیازی به انتخاب و گزینش نیست ولی ممکن است گفته شود گزینش اصطفا با استحقاق منافات ندارد؛ زیرا قائل به استحقاق نیز قبول دارد که پیامبران از جانب خدا برگزیده می‌شوند لکن مستحق‌ترین و سزاوارترین این گزینش هستند، چنان که پس از نام بردن گروه بسیاری از پیامبران چنین می‌فرماید: «وَاجْتَبَيْنَاهُمْ

وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿الانعام (٦) / ٨٧﴾، «آنان را برگزیدیم و به راه راست هدایت کردیم».

۵-۲. حبیب‌الله

واژه حبیب که در این فراز از دعای شریف، توسط امام عصر (عج) به عنوان صفت برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به کار برده شده، واژه‌ای است که در قرآن به کار نرفته ولی مشتقات واژه «حب» در کلام خداوند بسیار آمده است. ما در فارسی به «حبیب»، «دوست» می‌گوییم و برای بنده چه مقامی بالاتر از این که خداوند، انسانی را به عنوان دوست خود برگزیند. خداوند کسانی را به دوستی خود می‌گیرد که مبرا از رذایل و متصف به فضایل اخلاقی هستند و برای شناختن صفات و ویژگیهای دوستان خدا، بی شک باید آن را در قرآن جست‌جو کرد. قرآن می‌فرماید:

﴿فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران (٣) / ٧٦)، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (البقرة (٢) / ١٩٥)، ﴿وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران (٣) / ١٤٦)، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُيُوتٌ مَرْضُوضًا﴾ (الصف (٦١) / ٤)، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (البقرة (٢) / ٢٢٢)

در این آیات و آیاتی دیگر که در آنها گروه‌های متقین، محسنین، صابریں، متوکلین، توابین، متطهرین مورد محبت و دوستی خداوند معرفی شده‌اند، صراحتاً به برخی ویژگیهای اخلاقی آنها اشاره شده است. برحسب ملاک‌های قرآنی، رسول خدا در مرتبه والای این حالات و ویژگیها قرار دارد و خداوند در تصدیق این بیان فرموده‌اند: ﴿وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (القلم (٦٨) / ٤)، «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری» این آیه شریفه هرچند به خودی خود حُسن خُلق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می‌ستاید و آن را بزرگ می‌شمارد، لیکن با در نظر گرفتن خصوص سیاق، به خصوص اخلاق پسندیده اجتماعی نظر دارد؛ اخلاقی که مربوط به معاشرت است از قبیل استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم و عفو و اغماض، سخاوت، مدارا و

تواضع (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۶۱۹). همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (آل عمران (۳) / ۳۱)، «بگو اگر محبت خدا در دلهایتان مستقر شده، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد.» از این آیه، روشن می‌شود که بین پیروی رسول ﷺ و محبت خدا ملازمه هست. هرکس که پیرو رسول خدا ﷺ باشد، خدا او را دوست می‌دارد و معلوم است که خدای تعالی بنده‌ای را دوست نمی‌دارد مگر وقتی که پیرو رسولش باشد و وقتی از رسول ﷺ پیروی کردند، به هر صفت خوبی که خدا آن را دوست می‌دارد متصف می‌شوند مانند تقوا، عدل، احسان، صبر، ثبات، توکل، توبه و خود را از پلیدیها دور نگه می‌دارند. پس دلیل انتخاب شدن پیامبر ﷺ به مقامی که خداوند حبیب او شود، روشن گشت.

۲-۶. خیرة الله

خیر، چیزی است که همه کس به آن راغب می‌شوند مانند عقل، عدل، فضل و هر چیز سودمند دیگر. نقطه مقابل خیر، شر است (راغب اصفهانی، ص ۳۰۰) و خیره به معنی برگزیده آید مثل «محمد صلی الله علیه و آله خیره الله من خلقه» است (قرشی، ص ۳۱۸) یعنی خداوند او را از بین همه خلایق برگزیده است. به چیز خوب خیر گویند؛ زیرا دلپسند است و آدمی به آن میل می‌کند.

در قرآن کریم، حضرت محمد ﷺ با صفت «خیره» وصف نشده‌اند ولی در این قسمت از دعا، حضرت مهدی (عج) پیامبر ﷺ را با صفت «خیرتک من خلقک» معرفی کرده‌اند؛ یعنی «برگزیده‌ترین تراز بین خلق». در این قسمت ادله برگزیده شدن پیامبر ﷺ را بر حسب آیات و روایات ذکر می‌کنیم.

بر طبق روند دعا، در این صلوات بر پیامبر ﷺ دلیل برگزیده شدن ایشان را یکی پس از دیگری نام برده‌اند که به ترتیب چنین است: عبد خدا، رسول خدا، امانت دار خدا، صفی خدا، حبیب خدا، و انسانی با این صفات، دور از ذهن نیست که درباره اش گفته شود: «خیرتک من خلقک»؛ چرا که هر کدام از این اوصاف، از مراتب بالای اعتقادی اخلاقی ویژه‌ای در صاحب خود حکایت می‌کند؛ چه رسد به آنکه

همه این خصوصیات در یک نفر جمع باشد.

به علاوه، باتوجه به آیه ﴿... اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ...﴾ (الانعام (۶) / ۱۲۴)، روشن است که انتخاب الهی و رسالت، قبل از هر چیز مستلزم آمادگی روحی، پاکی ضمیر و سجایای اصیل انسانی، اندیشه قوی و بالاخره پرهیزگاری فوق العاده‌ای در مرحله عصمت است و وجود این صفات مخصوصاً آمادگی برای مقام عصمت، چیزی است که جز خدا نمی داند و خدا می داند این مقام را در چه جایی قرار دهد. (مکارم شیرازی، ج ۵، ص ۴۳۱) ﴿وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ﴾ (الدخان (۴۴) / ۳۲)، «همانا آن‌ها را از روی علم بر مردم جهان برگزیدم». این آیه نشان دهنده این است که انتخابی بدون حساب نبوده بلکه انتخاب و اختیاری از روی علم و قابلیت بوده است. همچنین در آیه ﴿... كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران (۳) / ۱۱۰)، «... شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید» و ﴿... هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...﴾ (الحج (۲۲) / ۷۸)، «... او شما را برگزید و بر شما در این دین سختی قرار نداد...» گویای این موضوع است که امت اسلام برترین امت است و بر تمامی امت‌های عالم برتری و فضیلت دارند (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۲۱۵) و مراد از «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ»، اهل بیت رسول خدا ﷺ است. (سیوطی، ج ۲، ص ۶۴؛ طباطبایی، ج ۳، ص ۵۹۱) نکته مهم این است که در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین امت معرفی شده‌اند؛ چرا که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده‌اند و یکی از ادله بهترین امت بودن آن‌ها ایمان داشتن آن‌ها به خدا ذکر شده است. پس دلیل بهترین امتها بودنشان روشن شد. زیرا آن‌ها دارای آخرین ادیان آسمانی هستند و آخرین دین روی حساب تکامل، کامل‌ترین است. (طباطبایی، ج ۴، ص ۵۸۴)

پس آخرین پیامبر نیز کامل‌ترین و بهترین پیامبر می‌باشد زیرا که دین او و کتاب او و برنامه‌ای که او برای سعادت بشر می‌آورد کامل‌ترین و بهترین است و مگر می‌شود امتی را که او هدایت کرده بهترین امت باشند ولی خود برگزیده‌ترین نباشد. رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: به من چیزهایی داده‌اند که به احدی از انبیا نداده‌اند یکی اینکه کلیدهای زمین را در اختیار دارم و

اینکه اتمم را بهترین امت قرار دادند.» (طباطبایی، ج ۳، ص ۵۹۱)

و نیز می‌فرمایند: خداوند خلائق را آفرید، عرب را برگزید و قریش و بنی‌هاشم و من انتخابی از انتخاب شده‌ها هستم. (مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۴۸) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ» است؛ زیرا برگزیده انبیا شد، اصطفی و اجتبا شد و در نهایت از طرف خدا اختیار شد؛ چرا که همه خوبیهای خَلْق و خُلُق در او جمع بود.

امام (عج) در اینجا درخواست صلوات و درودی برای جدّ بزرگوارشان می‌کند، بدین‌گونه که برتر باشد از آنچه درود فرستادی و برکت دادی و رحمت دادی و تهنیت فرستادی بر هر یک از بندگان خاصّت و پیغمبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل کرامت و احترام؛ یعنی درودی را خواهان است که از همه بالاتر باشد و تا به حال بر کسی نفرستاده باشد. در حُسن ختام فراز صلوات بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید اضافه کرد که این مأموریت چه در زمان غیبت و چه در زمان ظهور بر عهده وجود مقدّس امام زمان (عج) است که جدّ بزرگوارشان را بر همگان بشناسانند.

۷-۲. حافظ سِرِّالله

سِرّ یعنی نهان، امر پوشیده. (قرشی، ج ۳، ص ۲۵۳) سِرّ به معنی نجوا و راز گفتن و سِرّ، حدیث مکتوم در نفس است و خدا هم حدیث نفس و سخن باطنی و هم راز گفتن را می‌شنود. (قرشی، ج ۳، ص ۲۵۳) در آیه «وَإِذْ أَسْرَرْنَا نَبِيَّكَ» (التحریم (۶۶) / ۳) و «تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ» (الممتحنة (۶۰) / ۱)، «به محبتی که در دل به آن‌ها دارند آگاه‌شان نموده‌اند» و این معنی، به «یظهِرون»، یعنی «دوستی را بر آنان آشکار می‌کنند» تفسیر شده است. سِرّ به معنی راز، امر نهفته و چیزی که در نفس پنهان کننده است. (زمردیان، ص ۳۲۳) «و آن مطلب پنهانی است که انسان به هر کسی نمی‌تواند بگوید.» (ایزدی، ص ۱۹۴) امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در بیان خصوصیات آل پیامبر می‌فرماید: «وَمَوْضِعَ سِرِّهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲، ۴۷) «آل پیامبر محلّ اسرار حضرتند.»

این جمله از فقره مورد شرح دعای افتتاح ﴿حَافِظَ سِرِّكَ﴾ در معنا به قدری واجد

اهمیت است که در خلال دعاها و زیارتها و به خصوص زیارت جامعه کبیره و در چند مورد دیگر با مضامین گوناگونی تکرار شده و چنین آمده است: «وَحَفَظَهُ لِسِرِّهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ». لذا چنین نمودار است که موضوع اسرار الهی بسیار مهم و معنای آن در سطحی گسترده است.

روایات بسیاری است گویای آنکه اسرار الهی که نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام سپرده شد و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به امام مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام و همچنین به سلسله امامان تا امام زمان (عج) رسید. این اسرار را باید حجت خدا بداند؛ آن کس که جهان در انتظار مقدم اوست؛ آن کس که باید رهبری خلق عالم را به عهده گیرد و زمانی در رسد که سیر تکامل دانش بشری به مرحله ای درآید که به اذن خدای تعالی پرده‌ها برداشته و رازها آشکار گردد و خلق عالم این شایستگی را پیدا کنند که به وسیله آن بزرگوار با پاره‌ای دیگر از اسرار الهی آشنا شوند. (زمردیان، ص ۱۹۴)

۸۲. مبلِّغ رسالات الهی

«و مَبْلِّغِ رِسَالَاتِكَ». پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابلاغ کننده رسالات و پیام‌های پروردگار بود. حضرت علاوه بر مقام نبوت، رسالت هم داشتند. هم از وحی خبر داشتند و هم مأمور به ابلاغ دستورات الهی یا اتمام حجت بودند. (ایزدی، ص ۱۹۵)

خداوند، پیام‌های خود را برای تبلیغ به هر کسی نمی‌سپارد. رساننده پیام‌های الهی، بنده برگزیده خداست که به حکمت الهی در لباس بشری است، اما با مقام الهی و آسمانی. دقت در هر یک از این تعبیرات، دریچه‌ای از مقام الهی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به روی ما می‌گشاید. اینک ماییم و این نعمت بس ارزنده خدا داد که به عنوان اَمّت او برخوان احسان معنوی او نشسته‌ایم» (طالعی، ص ۴۱)

پس باید او را ارج نهمیم و قدر آن را بدانیم.

نتیجه

بهترین قالب ارتباطی میان انسان و معبود خود، قالب دعا و نیایش است؛ به طوری که در فرهنگ اسلامی مهم‌ترین آموزه‌های دینی از این طریق بیان شده است. با توجه به اینکه دعای افتتاح در بردارنده سه اصل از مهم‌ترین اصول دین، یعنی توحید، نبوت و امامت است، می‌تواند یکی از تأثیرگذارترین ادعیه در جهت تعمیق آثار معنوی دعا و تحکیم زیربنای اعتقادی افراد شود.

هر کدام از دعاهایی که از پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام به دست ما رسیده، خوانی است آسمانی که برای ما گسترده‌اند تا از آن بهره‌گیریم و به غنای معنوی دست یابیم. سخن این است که در لابه‌لای سطور هر دعا، به قدری حقایق نهفته است که ره‌توشه‌ای است برای حرکت همیشگی کاروان انسان‌ها به سرمنزل انسانیت، به این شرط که در آن‌ها ژرف‌بگیریم و عبارات آن را که در کمترین کلمات، عمیق‌ترین معانی را دارند سرسری نگیریم و از آن آسان نگذریم.

متن پژوهی دعای افتتاح ما را به این دستاورد رهنمون می‌شود که صلوات بر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ادعیه، جزء لاینفک دعاست؛ چرا که خود در بردارنده یک دوره اصول اعتقادی است. از بررسی مسئله نبوت در دعای افتتاح، دلیل برتری و انتخاب رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای مقام رسالت و اسوه حسنه بودن بر ما روشن شد و اینکه صلوات بر نبی مکرم اسلام یکی از ضروری‌ترین شروط قبولی دعاست و نیز معیار و ملاک‌های برترین انسان، و بهترین درس را به ما تعلیم می‌دهند. ناگفته پیداست که این نوشتار کوچک هرگز مدعای بیان تمام حقایق آن دعای بزرگ و جایگاه نبوت در این دعا را ندارد. از این رو با تمام وجود امید می‌رود که امام عصر (عج) خردی این نوشتار را به بزرگی آسمان آسای خود بپوشاند و بداند که می‌دانیم و ایمان داریم که این مطلب نمی‌بود از یمی.

منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. ایزدی، عباس. شرح و تفسیر (عرفانی، فلسفی و اخلاقی) دعای افتتاح، آفتاب خوبان. بی جا، ۱۳۸۳ ش.
۴. خمینی، سید روح الله. تفسیر سوره حمد. تهران: عروج، بی تا.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. ناشر دارالعلم الدار الشامیه، دمشق: بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۶. راوندی، قطب الدین. الدعوات. انتشارات مدرسه امام مهدی (ارواحنا فداه)، قم: ۱۴۰۷ ق.
۷. زمردیان، احمد. وصال العارفین شرحی بر دعای عرفه امام حسین علیهما السلام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی جا، ۱۳۸۷ ش.
۸. زمردیان، احمد. بیان حقیقت بیانات ولّی عصر (عج) شرح افتتاح. کتابفروشی اسلامیّه، بی جا، ۱۳۵۰ ش.
۹. سیوطی، عبدالرحمن جلال الدین. الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. فلاح، سید مجتبی. ره توشه راهیان نور (مروری بر دعای افتتاح). قم: رشید، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. قرشی، سید علی اکبر. قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. طالعی، عبدالحسین. درسهایی از دعای افتتاح. تهران: شرکت نشر بهینه فراگیر، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان. ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. عسگری، مؤید. ذکر اسرار آمیز صلوات. قم: انتشارات جمال، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. عسگری، سید مرتضی. عقاید اسلام در قرآن. مترجم: محمد جواد کرمی، انتشارات منیر، بی جا، ۱۳۸۶ ش.

۱۶. متقی، عبدالله. دعا. تهران: کانون نشر و پژوهشهای اسلامی، بی تا.
۱۷. مدرّسی چهاردهی، محمدعلی. شرح و ترجمه صحیفه سجّادیه. تصحیح: فاضل پاکتچی، منشورات مکتب المرتضویه لاحیاء آثارالجعفریه، بی جا، بی تا.
۱۸. مجلسی، محمد باقر. بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار. تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۱۹. مشکینی، علی. المصباح المنیر. قم: نشر الهادی، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. ممدوحی کرمانشاهی، حسن. شهود و شناخت. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. نیکزاده، الیاس. سرّ مرتبط در فلسفه نیایش. مشهد: نشر رستگار، ۱۳۸۴ ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی